

اوصاف پدیده جنایی

فرشید کرمی – کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

مقدمه:

واضح است که تاریخ پیدایش جرم، به تاریخ خلقت آدمی بر می گردد. آنجا که در سفر پیدایش دست قابیل به خون برادرش هابیل آلوده شد تا پدیده ای به نام جرم و واقعه ای به شکل پدیده جنایی، عینیت پیدا کند. در واقع این پدیده، مظهر زندگی جمعی و ناشی از فعل انسانی است که به آن جامعه تعلق دارد. رفته رفته پدیده مجرمانه ی از شکل ساده به شکل گسترده و پیشرفته تبدیل شده تا حدی که با افزایش و تنوع رفتارهای مجرمانه، اجتماعات بشری بیش از پیش دست خوش ناآرامی گردیده است. در این میان و به علت تعارض پیش آمده ما بین مرتکب جرم و جامعه، باید این واقعیت را پذیرفت که پدیده جنایی واقعیتی است انکاناپذیر که جامعه در پاسخ به آن به واکنش اجتماعی برخاسته است. واقعیتی نسبی و عام الشمول که به گونه ها و اشکال مختلف، صحنه های ملی و فراملی را درنور دیده است.

بند نخست: واقعیت پدیده جنایی

جوامع بشری، همواره با پدیده جنایی، جرم یا بزه به عنوان مهمان ناخوانده، رو به رو بوده و همواره در معرض آسیب و متضرر از آن هستند. در واقع هر جامعه ای مولد جرم بوده و همین ارتکاب رفتارهای مجرمانه است که ساختار جامعه را به سمت بحران و آشوب هدایت می کند. در بطن این پدیده، تعارض میان فرد و جامعه نهفته است. هر چند تمایل عمومی و عادت عامه به سمت تبعیت از ارزشها و هنجارهای حاکم بر اجتماعات؛ معطوف است. اما تمامی انسان ها به علت های مختلف نمی توانند یک شخص قانون گرا، قانون مند و هم نوا باشند و همواره اشخاصی هستند که منافع خود را در مقام معارضه با قانون هنجارها و ارزشها از طریق نظم ستیزی، قانون گریزی، و قانون شکنی، تامین می کنند. برای درک موضوع باید گفت هر اجتماعی که به یک تشکل و سازمان یافتگی برسد در جهت حفظ منافع و پاسداری از مبانی اعتقادی خود و برقراری ارتباط سالم میان افراد و نهادهای اجتماعی و در نهایت رسیدن به انتظام اجتماعی، به تدوین قواعدی به صورت مشخص کردن حد و مرزها دست می زند. بدیهی است در قلمرو اجتماع پذیری و پذیرش ارزش ها و هنجارها، برخورد افراد از شکل واحدی برخوردار نیست و گروه اقلیتی به دلایل ضعف جسمانی – روانی و یا نابسامانی های اجتماعی، قدرت سازگاری و همنوایی اجتماعی را نداشته و با تسامح و تساهل، از حوزه ی قانون مداری به حریم قانون شکنی گرایش می یابند و با خود رفتاری را به ارمغان می برند که ممکن است تحت عنوان انحراف یا جرم قابل بررسی باشد.

در واقع این اعمال اصولاً ارادی و آگاهانه از سوی قانون شکنان، گویای این واقعیت دردناک است که آن ها صلاح و صواب خویش را در این امر دیده اند. به همین دلیل است که هر زمان پدیده ای به نام جرم در این جوامع روی داده، انسان ها در پاسخ به آن با شیوه ای مهم از سیاست جنایی سازمان یافته از طریق اقدامات سرکوبگرانه محض یا بازپرورانه به رویارویی با آن برخاسته اند. این پاسخ اجتماعی به نشانه انزجار عمومی در مقابل آن واقعیت غیر قابل احتراز و به امید مهار پدیده ی بزه کاری بوده است.

هر چند اندیشه متفکرین در باب معمای بزه و بزه کاری متکی بر تفکر دستیابی به صلح و آرامش نسبی بوده اما همواره بزه و بزه کاری عامل ترس آور و دلهره برانگیز ادوار مختلف بوده؛ به طوری که مبارزه ی کاملاً موفقیت آمیز با آن به آرزویی دست نیافتنی تبدیل شده است.

امروز بزه کاری به صورت ها و اشکال نوین متجلی می گردد و گونه های جرم بر حسب ساختارهای اجتماعی تغییر می یابد.

آن گونه که « مرتون » انحرافات را در تمامی جوامع به یک شکل نمی داند و « پیناتل » هر نوع جامعه ای را ، متناظر با تیپ معینی از بزه کاری، معرفی می کند. برخی از این جرایم ، بیش از سایر جرایم افکار عمومی را مشوش و آشفته می سازد، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، و اخلاقی وسیع تری دارد، نمود خارجی محسوس و سریع دارد و ضمن تحریک و تهیج افکار جمعی، احساس ناامنی را در جامعه دامن می زند؛ لذا بر حسب این متغیرات، واکنش جامعه با شدت وحدت ، ابراز می شود.

۱_ مجرمیت واقعی

« مجرمیت واقعی »^(۱) یا « مجرمیت حقیقی » به تعداد واقعی جرایم ارتكابی در زمان و مکان مشخص اطلاق می شود. بدیهی است به علل مختلف از جمله عدم توانایی پلیس در شناخت و کشف جرایم، عدم اطلاع پلیس از ارتكاب تمامی جرایم، عدم اعلام جرم توسط بسیاری از شهروندان، عدم همکاری مردم با پلیس و دستگاہهای قضایی و طبع مخفیانه بسیاری از جرایم (جرایم آپارتمانی)^(۲) ، میزان و ماهیت بسیاری از جرایم مبهم و ناشناخته باقی می ماند و همین امر، دست یابی به تعداد واقعی بزه کاری ها را در یک جامعه معین و در یک محدوده زمان مشخص، به وادی مشکل هدایت می کند. نهایتاً این روند، به پیدایش « ارقام سیاه » یا « بزه کاری پنهان »^(۳) دامن می زند.

در بزه کاری پنهان به دلیل مهارت و گستاخی مجرمین، می توان آن ها را جزء مجرمین خطرناک قلمداد کرد. در این میان هر اندازه، شهروندان با نیروهای امنیتی – پلیسی و دستگاہ های قضایی ، همکاری داشته باشند به همان نسبت، از میزان ارقام سیاه کاسته می شود و بالعکس امتناع آن ها از همکاری، منجر به تورم ارقام سیاه و بزه کاری نهائی می شود.

طبق مطالعات جرم شناسی رقم سیاه در مورد « بزهکاران حرفه ای »^(۴) که تبه کاری پایه و سرمایه ی اصلی زندگی آن هاست و « بزه کاران یقه سفید »^(۵) یعنی بزه کاران حسابگر و برنامه ریز ، بسیار بالاست. به هر ترتیب چون تمام جرایم و تبه کاری ها گزارش نمی شود؛ مثلاً سرقت های کوچک اصولاً به پلیس گزارش و اعلام نمی شود. از طرفی در برخی جرایم مثل « منافی عفت »^(۶) دست کم نیمی از کل آن به اطلاع مقامات پلیسی نمی رسد و نهایتاً آمار رسمی جرم، صرفاً جرایمی را در بر می گیرد که عملاً توسط پلیس ثبت شده اند. لذا ارزیابی میزان جرم و جنایت در هر جامعه امری دشوار است.

۲- مجرمیت ظاهری

« مجرمیت ظاهری »^(۷) یا « مجرمیت پلیسی » عبارت است از مجموع مرافعات کیفری (اعم از شکایات و اعلام جرایم) در محدوده ی زمانی معین و در یک جامعه مشخص که به اطلاع پلیس یا مقامات قضایی می رسد، لیکن هنوز به مرحله ی محکومیت یا برائت نرسیده است.

از آن جا که در یک فرآیند، عدالت کیفری پلیس سرآغاز و نخستین عنصر این فرآیند بوده و به عنوان نمادی از قدرت دولت، زمینه ساز برقراری عدالت است، روش و سلوک پلیس در شناسایی، کشف و ثبت تعداد و نوع جرایم ارتكابی، موید اهمیت این بخش از دستگاه های دولتی است. لیکن اگر آمارهای پلیس، کل تعداد جرایمی را که به اطلاع آن ها رسیده، نشان دهد، این امر به معنای آن نیست که پلیس بر وقوع کلیه ی جرایم اشراف دارد؛ چه بسا بزه دیدگان و قربانیان جرم و شاهدان عینی از اعلام جرم و شکایت خودداری می نمایند.

با این ترتیب، میان مجرمیت ظاهری و قانونی از نظر کمیت تفاوت دیده می شود. این تفاوت ناشی از آن است، اعمالی که موضوع شکایت واقع می شود گاهی فاقد خصیصه جزایی بوده و نهایتاً منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب، حسب مورد می شود. گاهی شاکی جهت احقاق حق به محاکم حقوقی ارشاد می گردد. از سوی دیگر گاهی در برخی جرایم به علت تغلیب جنبه ی خصوصی جرم، گذشت شاکی خصوصی، مانع به جریان افتادن و یا تعقیب دعوی عمومی بوده و منتج به صدور قرار موقوفی تعقیب می شود. لذا تعداد بزه کاری قانونی از بزه کاری ظاهری، کمتر است.

۳- مجرمیت قانونی

« مجرمیت قانونی^(۸) » یا « مجرمیت قضایی » به مجموع احکام محکومیت اطلاق می گردد که در زمان و مکان مشخص و مفروض از سوی محاکم قضایی، صادر می گردد. هر چند میزان مجرمیت قانونی از مجرمیت ظاهری، کمتر است لیکن اگر یک نفر در یک برهه مشخص، دو مرتبه به محکومیت برسد به همان تعداد محکومیت در آمار قضایی خواهد آمد.

در حقیقت بزه کاری قضایی، بر مبنای آراء محکومیت محاکم جزایی محقق می گردد اما تحت شرایطی آمار قضایی، از اعتبار مطلق و قوت زیاد، برخوردار نیست؛ زیرا در همه ی موارد آراء محکومیت منطبق با عدالت و انصاف صادر نمی شود و به دلیل اشتباهات قضایی، افرادی به طور غیر عادلانه به عنوان بزه کار در آینه ی آمار منعکس شده و محکوم علیه پرونده های جزایی قرار می گیرند. از سوی دیگر در مواردی به دلیل تطویل دادرسی، وجود اسباب رافع مسؤولیت کیفری، سبب های معافیت از کیفر، مرور زمان، فوت متهم، عفو یا گذشت مدعی خصوصی، پرونده ی کیفری به مرحله ی محکومیت نرسیده و در نتیجه در آمار قضایی لحاظ نمی شود. همچنین در موارد تعدد اعتباری که فعل واحد شمول چند وصف جزایی است و به نظر، بزه کار جرایم متعددی را مرتکب گردیده، به علت نص قانونی، صرفاً شدیدترین مجازات قابل اجراست. با توجه به مراتب فوق باید آمار قانونی یا قضایی را در باب بزه کاری فاقد اعتبار مطلق اعلام کرد.

بند دوم: نسبی، جهانی و فراگیر بودن پدیده ی جنایی

جرم، به عنوان یک پدیده ی دائمی، همیشگی، عمومی، مهمان ناخوانده و مزاحم جوامع بشری بوده و هست. فراگیری این پدیده به حدی است که نمی توان جامعه ای را یافت که از پیامدها و تبعات آن در امان باشد. این عارضه اجتماعی مختص جامعه خاصی نبوده، هر چند شکل و میزان آن، حسب شرایط و اوضاع و احوال هر جامعه در نوسان و دگرگونی است.

پدیده ی جنایی از سویی با شدت و از سویی با ضعف هر چند با تنوع اشکال، وجدان عمومی بشریت را متأثر نموده و جوامع انسانی را در حل این معمای بی جواب، اصولاً به واکنش های قهرآمیز با طیف گسترده، واداشته است.

هر چند شدت وحدت این واکنش ها، با شدت وحدت فعل ارتكابی و احساسات لطمه دیده در ارتباط است، اما این پاسخ، نتیجه ی یک همفکری و همانندی اجتماعی در برابر بزه کاری است.

در حقیقت، در امتداد و به همراه جهانی شدن، این پدیده جنبه ی بین المللی و فراملی به خود گرفته به طوری که با گذر از مرزهای داخلی، فرصت های جنایی تازه برای مجرمین در سایر کشورها، مهیا گردیده است.

علیرغم ثبات، قدرت و تداوم پدیده ی جنایی، باید گفت، جرم خصیصه ای نسبی دارد نه مطلق. بدین معنی که مفهوم جرم به نسبت زمان و مکان، متفاوت بوده و بررسی پیشینه ی تاریخی مقررات جزایی، موید این مطلب است. از آن جا که ارزیابی یک رفتار، لزوماً بر اساس تغییراتی که در احساسات، عواطف و اعتقادات یک جامعه پدید می آید و از طرفی معیارهای سیاست جنایی، متأثر از ایدئولوژی و دیدگاه های فرهنگی و اخلاقی، آداب، رسوم و مذهب است؛ لذا ممکن است در باب جرم انگاری، اعمالی در یک جامعه و در یک برهه ی زمانی، با منع قانونی مواجه باشد و بر عکس در یک زمان دیگر، به دلیل تغییر در مبانی و معیارهای ارزشی، از آن عمل جرم زدایی، شده مباح و ارزشمند تلقی شود. از طرف دیگر ممکن است عملی در یک جامعه با ضمانت اجرای کیفری همراه باشد و همان عمل در جامعه دیگر، امری مقبول، پسندیده و حتی شایسته تمجید جلوه کند. این اختلافات و برداشت های گوناگون از مفهوم جرم یا پدیده ی جنایی گاهی ممکن است تحت تأثیر یک عنصر خارجی، یعنی منظر حاکمیت وقت و دیدگاه سیاستمداران، مفهومی نسبی پیدا کند. در واقع ملاحظات سیاسی در جرم انگاری رفتارها، شعار محوری جرم شناسان انتقادی (رادیکال) بوده که در تعریف رفتار مجرمانه، گروه های صاحب قدرت، در جهت حمایت از منافع و تحمیل عقاید شخصی، منافع اجتماعی و اقتصادی خود را در نظر می گیرند. این گونه ملاحظات سیاسی در فرآیند جرم انگاری به نحوی است که گاهی سیاست مداران و حکام وقت به منظور بقای ارزش های خود که تداوم بخش حاکمیت آن هاست سعی دارند، برخی اعمال را مجرمانه تلقی کنند در صورتی ممکن است این اعمال، هیچ تعارضی با هنجارها و ایده های پذیرفته شده اجتماعی نداشته باشد و اگر تعارض داشته باشد، نمی تواند جرم انگاری را الزام کند.

در کنار پارامترهای فوق، از نظر سن و جنس، بزه کاری، مفهومی نسبی خواهد یافت.

از لحاظ معیار سن، بزه کاری به دو دسته بزه کاری اطفال (صغار) و بزه کاری بزرگسالان (کبار) تقسیم می گردد. طبق تحقیقات در زمینه ی بزه کاری، شرایط سنی، هیچ مغایرتی با ارتکاب جرم ندارد. هر فردی در هر محدوده ی سنی ممکن است مرتکب جرم شود؛ اما ممکن است کمیّت و کیفیت فعل ارتكابی در هر دوره ی سنی با هم متفاوت باشد. در بسیاری از کشورها، اعمال و رفتارهایی که ممکن است ارتکاب آن ها از سوی بزرگسالان مشمول عنوان مجرمانه نباشد، در صورت ارتکاب توسط اطفال، به منزله ی بزه تلقی شود. بدیهی است این تعارض با قانون، ناشی از احوال شخصیه آن هاست، نه ناشی از ماهیت فعل ارتكابی.

از لحاظ معیار جنسیت، بزه کاری به دو دسته بزه کاری مردان و بزه کاری زنان تقسیم می گردد. جرایمی که زنان مرتکب می شوند اصولاً به صورت مخفی و پنهانی بوده و در جرایم آشکار، معمولاً نقش فرعی و غیر مستقیم دارند. از دیدگاه علوم زیست شناختی، ضعف جسمانی زنان، مانع ارتکاب جرایمی است که نیاز به قدرت و چالاکی دارد. در تأیید این نظریه « دوگریف» عقیده دارد: « موقعیت اجتماعی و وضعیت زمانی و مکانی، در جرم ارتكابی زنان و نوع جرایم ارتكابی آنان، تأثیر به سزایی دارد؛ لذا به طور دقیق نمی توان بین بزه کاری زنان و مردان حد و مرزی قائل شد.» طبق اعتقاد عمومی، اغلب مجرمان را مردان تشکیل می دهند. البته باید خاطر نشان کرد هر چند مردان از « نرخ مجرمیت»^(۹) بالاتری برخوردارند، ولی این بدان معنی نیست که جرایم زنان بی اهمیت و بی خطر است. ولی در جرایم خیابانی که ارتکاب آن مستلزم استفاده از قدرت بدنی و نیروی جسمانی است مردان نقش اصلی و غالب دارند.

بحث دیگر که در نسبت پدیده ی جنایی دخیل است، آثار و پیامدهای جرم بر امنیت جامعه بوده که بر اساس این معیار، بزه کاری به اقسام بزه کاری بزرگ (کلان)، بزه کاری متوسط و بزه کاری کوچک (خرد) تقسیم می شود. احتمال دارد جرمی در یک کشور کم اهمیت و کوچک تلقی شود و در کشور دیگر، متوسط یا بزرگ جلوه کند یا بالعکس، از طرف دیگر ممکن است عملی در یک کشور بنا به ملاحظات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بزرگ و مهم باشد اما در دوره دیگر « کم اهمیت و پیش پا افتاده »^(۱۰) نشان دهد. امروزه جرایم خشونت آمیز (خشن) که به عنوان شدیدترین جرایم شناخته شده ، ممکن است در آینده با نگرشی جدید در تفکرات اخلاقی و اجتماعی، با تحول همراه شده و از قبج آن و سازو کارهای مقابله با آن کاسته شده و چون گذشته احساسات جمعی را جریحه دار نسازد. همین تلقی و درک متفاوت از اهمیت و خطرناکی جرم، موید نسبت پدیده ی جنایی است.

در آن سوی میدان جرم انگاری و نسبت آن یعنی جرم زدایی نیز این نسبت وجود دارد. بدین معنی که سلب عناوین مجرمانه از برخی رفتارها پیوند محکمی با آداب و رسوم و فرهنگ جامعه دارد. اباحه ی رفتارها با توجه به بافت فرهنگی و ساختار اجتماعی و ملاحظه ی اذهان عمومی صورت می گیرد که ممکن است این استراتژی با استقبال سایر کشورها رو به رو نشود. برای نمونه در نظام هایی که بافت آن مبتنی بر سنن، اعتقادات و باورهای مذهبی و اخلاقی است، به کارگیری این ساز و کار چندان آسان نیست. مثلاً در قلمرو حدود اسلامی، به عنوان یک نظام غیر قابل تغییر، جرم زدایی ممکن نیست، اما در تعزیرات ، این استراتژی می تواند مفید جلوه کند.

بند سوم: گونه های پدیده ی جنایی

هر چند پدیده ی چنایی ، خصیصه ای دائمی ، عمومی و همیشگی دارد، اما این ویژگی ، به معنای یکسان بودن و هم گون بودن آن نیست. همان گونه که « مرتون» انحرافات را در تمام جوامع به یک شکل نمی داند باید گفت امروزه بزه کاری گستره و اشکال متنوعی به خود دیده و تابع تحولات جوامع و شرایط زندگی توده های مردم، شده است. در جوامع باستانی به دلیل ساختار یک پارچه و هدف واحد، بزه کاری با دامنه ی محدود همراه بود؛ زیرا اهداف گروهی بر امیال فردی برتری داشته و خواسته های گروه مورد قبول اعضای آن بوده و اگر جرمی صورت می گرفت به ماورای همان گروه کوچک گسترش نمی یافت.

گرچه برخی جرایم سنتی به تداوم، استمرار و ثبات خود ادامه می دهند؛ اما بسیاری از جرایم امروزی با اشکال نوین و نوظهور خودنمایی می کنند. تنوع تکنولوژی و اعمال شگردهای جدید، به خلق « جرایم ساختگی و مصنوعی»^(۱۱) دامن زده و بیم افزایش تحرک بزه کاران و گسترش فعالیت های مجرمانه را نوید می دهد. تکنولوژی های جدید تمامی سطوح و جنبه های زندگی را با قدرت تغییر داده و قطعاً موجبات تحول عمیق در ماهیت و نوع جرایم را مهیا می سازد. ماهیت متغیر جرم، بافت دگرگون شده بزه کاران، اشکال نوین تبه کاری، ضرورت تضمین حمایت از جوامع بشری را نمایان می سازد.

با تحول اجتماعات بشری و تغییرات جدّی در شیوه های زندگی، جامعه شاهد ارتکاب جرایم با طیف وسیع و تیپ های گوناگون تبه کاران است. به موازات این پیچیدگی و فنی شدن طرق ارتکاب جرایم ، شدت مجازات ها هم نتوانسته در بازدارندگی مجرمین و تقلیل بزه کاری نقش قاطعی ایفا کند. امروزه بزه کاری با ساختار منسجم روبه فزونی و باروری است؛ بدین صورت که در برخی جوامع، بزه کاران حرفه ای و سابقه دار به صورت گروهی به تشکیل باندهای مجرمانه مخفی اقدام نموده و با فعالیت های وسیع و متنوع به نقض حقوق جامعه دست می زنند. این موضوع تا حدّی گسترده

است که امروزه جرایمی با ساختار مجرمانه سازمانی، در نتیجه ی اراده ی ناشی از تبانی، معاضدت و مشاوره ی چند نفر، برای ارتکاب رفتارهای جنایی و بر اساس طرح، برنامه و تدارکات لازم، تولد یافته است که از آن ها به « جرایم سازمان یافته »^(۱۲) یاد می شود.

جرایم سازمان یافته ، منسجم ترین ساختار تشکیلات مجرمانه است که به سختی قابل شناسایی بوده و عمده ی فعالیت آن ها، علاوه بر مرزهای داخلی، عرصه ی سایر کشورها در سطح فرا ملی بوده و با عبور از مرزهای داخلی ، به منظور اشاعه ی فعالیت های مجرمانه، محدوده ی سایر کشورها را نیز در نوردیده است.

جرایم ذکر شده ، علاوه بر اخلال در نظم عمومی داخلی، نظم عمومی فرامرزی را هم به مخاطره انداخته و علاوه بر فرصت های جنایی چون قاچاق اسلحه، مواد مخدر، اتومبیل، انسان، خرید و فروش اشیای هنری و تاریخی، سرقت های مسلحانه ، و... بستر محیط های مجرمانه را نیز ایجاد کرده است. این گروه های بزه کاری از پدیده ها، امکانات و تکنولوژی امروزی سوء استفاده کرده و از آن ها در جهت پیشبرد منافع شوم و نامشروع خود بهره می جویند.

در این دگرگونی و تنوع اشکال مجرمانه « آنریکو فری» می نویسد: « در عصر جدید، ارتکاب جرم از حالت خشونت و اعمال قهر و غلبه خارج و به شکل حيله گری و تزویر در آمده ، از حالت حاد بیرون و به مرحله ی مزمن روی آورده است.» در کنار این نظریه « پیناتل» می گوید: « هر چند تحول همیشه در خط مستقیم صورت نمی گیرد و تمام وقایع اجتماعی مهم، ممکن است خللی در تحول پدید آورده و مجدداً بروز خشونت شود، این امکان هم وجود دارد که علاوه بر خشونت، تقلب و قاچاق، حيله گری هم نمود پیدا کند.»

با توجه به آموزه های فوق می توان گفت ، بزه کاری در عصر حاضر در حال دگرگونی است و از مراحل ابتدایی و رسیدن به مراحل صنعتی، همگام با تحول و تحت تأثیر یک سلسله حوادث و عوامل اجتماعی متغیر، گونه های متنوعی به خود دیده که وجود آن غیر قابل انکار است.

پی نوشت ها:

Real Criminality(۱)

Apartment Crimes(۲)

(۳) ارقام سیاه یا ارقام مخفی در آمار جنایی، مؤید نسبت بین تبه کاری واقعی و تبه کاری قانونی است.

Hidden Criminality(۴)

Professional offenders(۵)

White-collar offenders(۶)

Immodest(۷)

Apparent Criminality(۸)

Legale criminality(۹)

(۱۰) نرخ مجرمیت یا نرخ جرم (crime rate) یعنی رقم ارتکاب جرم در مقایسه با کل جمعیت.

(۱۱) اصطلاح جرایم کم اهمیت (پیش پا افتاده) یک مفهوم جرم شناسی و ناظر بر رفتارهایی است که به لحاظ زیان های مادی، چندان قابل توجه نیست ولی به دلیل ایجاد خدشه در امنیت و احساس آرامش، مورد توجه جرم شناسی قرار گرفته است.

Artificial crimes(۱۲)

Organised crimes (۱۳)